

آرایه مشاکله و چالش ترجمه قرآن کریم (همراه با نقد و بررسی هفت ترجمه از قرآن کریم)

Literary Technique of Mushakalah and Challenges in Translating the Holy Quran (With Review and Critique of Seven Translations of the Holy Quran)

Ahmad Omidvar*
Asgar Babazadeh Aqdam**

احمد امیدوار*
عسگر بابازاده اقدم**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲

Abstract

The purpose of this study is to investigate the types of Literary Technique of Mushakalah in the Holy Quran, its correct translation method and the case study of translators' performance of literal, semantic and interpretive methods in its translation. For this purpose, descriptive-analytical method was used. Literary Technique of Mushakalah has been included in the Holy Quran seventy-seven times in a method of research and destiny. That incorrect translation sometimes leads to doubt in the mind of the audience. For this purpose, five examples of these cases were selected and while expressing their true meaning, the translation was evaluated. The best way to translate this linguistic phenomenon is to use an interpretive method, of course, provided that first the apparent meaning of the word is mentioned, then the meaning of the meaning is given in the form of an interpretive explanation in parentheses, on the one hand, the beauty and effect of "Literary Technique" is not destroyed and on the other hand, suspicion is prevented. The most inappropriate method of translation for this mode of expression is literal translation. In the shadow of translating this array, the respected translators have not adopted a proper method that they adhere to throughout the Holy Qur'an, which indicates that they do not have a clear correct method. Therefore, it is suggested that respected translators be more careful in presenting new translations or reprinting their translations in translating this array and translate them appropriately.

Keywords: Literary Technique of Mushakalah, Quran Translation, Literal Method, Semantic Method, Interpretive Method.

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی انواع آرایه مشاکله در قرآن کریم، روش صحیح ترجمه آن و بررسی موردی عملکرد مترجمان شیوه تحت اللفظی، معنایی و تفسیری در ترجمه آن است. به این منظور از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. این آرایه هفتاد و هفت بار در قرآن کریم به شیوه تحقیقی و تقدیری به کار رفته است که ترجمه نادرست آن گاهی منجر به ایجاد شبهه در ذهن مخاطب می‌شود. بدین منظور پنج نمونه از این موارد انتخاب و ضمن بیان معنای واقعی آنها، ترجمه‌ها ارزیابی شد. بهترین روش برای ترجمه این پدیده زبانی بهره‌گیری از روش تفسیری است البته بدین شرط که ابتدا معنای ظاهری لفظ ذکر گردد سپس معنای مقصود به صورت توضیح تفسیری در پرانتز یا کروشه آورده شود تا از طرفی زیبایی و تاثیر آرایه از بین نرود و از طرفی دیگر از ایجاد شبهه جلوگیری شود. نامناسب‌ترین شیوه ترجمه برای این آرایه، ترجمه تحت اللفظی است. مترجمان محترم در ترجمه این آرایه، یک شیوه مناسب که در سرتاسر قرآن کریم بدان پایبند باشند اتخاذ نکرده‌اند که بیانگر عدم یک روش صحیح مشخص در نزد ایشان است. لذا پیشنهاد می‌شود مترجمان محترم در ارائه ترجمه‌های جدید یا تجدید چاپ ترجمه خویش در ترجمه این آرایه دقت بیشتری کرده و به شیوه مناسب ترجمه کنند.

کلیدواژه‌ها: آرایه مشاکله، ترجمه قرآن، روش تحت اللفظی، روش معنایی، روش تفسیری.

*. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Science and Knowledge of the Holy Quran, Qom, Iran (Corresponding Author); ahmad60omidvar@gmail.com

** Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Science and Knowledge of the Holy Quran, Qom, Iran; askar.babazadeh@gmail.com

*. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول); ahmad60omidvar@gmail.com

** استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران; askar.babazadeh@gmail.com

۱. مقدمه

قرآن کریم کامل‌ترین کتاب هدایت است و در قله فصاحت و بلاغت قرار دارد. پژوهشگران و مفسران نیز همواره کوشیده‌اند وجوه زیبایی پدیده‌های زبانی آن را بیان کنند و قواعد بلاغت را به صورت قاعده‌مند وضع کرده‌اند. از جمله آنها، علم بدیع است که آرایه‌های زیادی از آن را برشمرده و نمونه‌های جدیدی را در گذر زمان به آن افزوده‌اند. عموماً آرایه‌های بدیعی را پدیده‌های زبانی می‌دانند که در لفظ یا معنا به کلام زیبایی می‌بخشند حال اینکه وجود این آرایه‌ها در قرآن کریم فقط ابزار زیبایی نیست بلکه در هر کدام از این آرایه‌ها معنایی نهفته است که بدون به کار بستن آن آرایه محقق نمی‌شود.

از پدیده‌های زبانی قرآن کریم آرایه مشکله می‌باشد که عدم شناخت آن می‌تواند شبهه‌های فراوانی را به وجود آورد چرا که ویژگی‌هایی چون مکر، خدعه، استهزا و... توسط این آرایه در ظاهر به خداوند متعال اسناد داده شده است. در کتب بلاغی این آرایه معرفی شده، ولی تنها چند نمونه از ادب و قرآن برای آن ذکر می‌شود. در کتب تفسیری نیز مقصود آیاتی که از این آرایه برخوردار هستند تبیین و جلوی اینگونه شبهه‌ها گرفته می‌شود. ولی مشکل اصلی آن است که عموم مردم کتب بلاغت تفسیر نمی‌خوانند و به قرائت آیات قرآن کریم همراه با ترجمه آن اکتفا می‌کنند و چنانچه این آرایه به درستی ترجمه نشود می‌تواند شبهه‌های بسیار بدی در ذهن آنها ایجاد شود.

از این روی روش‌شناسی ترجمه صحیح این آرایه آنقدر مهم است که نیاز به اطاله کلام و تفصیل ندارد. در حقیقت اهمیت این پژوهش به مهمی مباحث عقیدتی مسلمانان بر می‌گردد که غالباً نسبت به آرایه‌ای همچون مشکله آشنایی ندارند و تنها به ترجمه‌های قرآن اکتفا می‌کنند. از طرفی دیگر اگر

تعداد مخاطبان را ملاک قرار دهیم اهمیت کار ترجمه نسبت به تفسیر روشن‌تر می‌شود. از همین روی ترجمه امری بسیار مهم است و کسی که تفسیر، بلاغت، زبان‌شناسی و غیره نمی‌داند جایز نیست که به این وادی قدم نهاده چرا که با اشتباه خویش گروه بسیاری از مردم را به اشتباه می‌اندازد. حال تصور کنید که خواننده این ترجمه آیات قرآن کریم فردی از شرق آسیا باشد که شاید به منابع تفسیری به زبان خود دسترسی کافی نداشته باشد و به همین ترجمه‌ای که در دست اوست اکتفا می‌کند. در نهایت شبهه‌ای در ذهنش ایجاد می‌شود که برطرف کردن آن برایش کار آسانی نیست.

۲. مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

کتاب‌های تفسیری و بلاغت به طور پراکنده به این پدیده زبانی پرداخته‌اند ولی به طور مستقل آن را بررسی نکرده‌اند. به دلیل کثرت این منابع و ضیق مجال از ذکر نام آنها خودداری می‌شود. مقالاتی نیز پیرامون این آرایه نگاشته شده است که عبارتند از:

۱. مقاله بازکاوی آرایه مشکله و نقش شناخت آن در تفسیر قرآن. نوشته عباس رحیم لو و سید محمود طیب حسینی، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای ادبی قرآنی، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸، صفحات ۵۹ تا ۸۳ این پژوهش درصدد بازخوانی تفسیر آیات قرآن کریم در سایه این آرایه می‌باشد و مخاطب خود را مفسران و دانشمندان قرار داده است و توصیه می‌کند که به معنای ظاهری این گونه آیات اکتفا نکنند و در مسیر تفسیر به اشتباه نیفتند.
۲. مقاله تاملی در برخی فنون بلاغی مشکله. نوشته محمد فاضلی، مجله ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد، شماره نهم، بهار ۱۳۸۵، صفحات ۷ تا ۲۰. این مقاله درصدد آن است تا وجوه تفاوت این آرایه با دیگر آرایه‌ها و حد و مرز آن را مشخص کند.
۳. مقاله آرایه ادبی مشکله در بدیع و اشتراک و

پرسش‌های مذکور و پرکردن خلاء موجود در زمینه ترجمه صحیح و مناسب این آرایه است. از همین روی، هفت ترجمه از قرآن کریم تحلیل و بررسی می‌شود.

۳. مفاهیم

۳-۱. مشکله در لغت و اصطلاح

«شکل» به معنای مثل است. گفته می‌شود این شکل آن است یعنی مثل آن است: شَاكَلْ هَذَا ذَاكَ مِنْ الْأُمُورِ یعنی این امر موافق و مشابه آن است... و فلانْ شَكْلُ فلانٍ یعنی در حالاتش مانند آن است (الفراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/ ۲۹۶ و ۲۹۵). شکل (شین کاف لام) معنای اصلی‌اش مماثله است بنابراین هنگامی که می‌گوییم این شکل آن است یعنی مثل آن است (ابن فارس، ۱۴۲۲: ۵۱۱). شکل، شبه و مثل و جمع آن أَشْکَالٌ و شُكُولٌ است و موافقت، مترادف تشاکل است (الفیروزآبادی، ۱۴۲۰: ۲/ ۱۳۴۷) از آنچه گذشت در می‌یابیم که معنای مشکله در لغت، شباهت و همانندی دو چیز است. معنای آن را در اصطلاح اینگونه بیان کرده‌اند: آن است که چیزی را با لفظ دیگری ذکر کنی به خاطر همراهی و قرار گرفتن در کنار آن (السکاکي، ۱۹۸۷: ۴۲۴). یا مشکله عبارت است از ذکر چیزی با لفظ دیگر به خاطر همراهی تحقیقی یا تقدیری با آن (الخطیب القزوينی، ۱۴۱۸: ۸۹). به زبان ساده‌تر مشکله در اصطلاح علم بدیع عبارت است از اینکه یک معنا را با لفظ کلمه مجاور ذکر کنند. برخی از دانشمندان این آرایه را «مزاجه» یا «ازدواج» نامیده‌اند (تاج‌بخش، ۱۳۹۲: ۴۴).

۳-۲. شیوه‌های وقوع مشکله در قرآن کریم

مشکله به دو شکل در زبان و قرآن کریم آمده است:

الف) به شیوه تحقیقی

آرایه مشکله آن است چه چیزی با لفظ دیگری به

افتراق آن با جناس تام و اسلوب حکیم. نوشته فریبا صادقی، مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، بهار ۱۳۹۳، شماره ۹۲، صفحات ۳۲ تا ۳۳. این مقاله کوتاه نیز به تحدید حوزه این آرایه ادبی پرداخته است.

۴. مقاله صنعت مشکله در برخی از آیات قرآنی. نوشته فریبا صادقی، مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۹۰، صفحات ۳۴ تا ۳۵. این مقاله کوتاه برخی از نمونه‌های قرآنی این آرایه را ذکر کرده است.

۵. مقاله نمونه‌هایی از آرایه مشکله در قرآن. نوشته اسماعیل تاج‌بخش، مجله سراج منیر دانشگاه علامه طباطبایی، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۱، صفحات ۴۳ تا ۵۸ نویسنده این مقاله به ذکر و توضیح ده نمونه مشهور از این پدیده زبانی در قرآن کریم اکتفا کرده است.

تاکنون هیچ پژوهشی در خصوص روش صحیح ترجمه این آرایه نگاشته نشده است. این مساله مهمترین دلیل برای نگارش این مقاله است. از طرفی پژوهش‌های مذکور صبغه بلاغی یا تفسیری دارند و مخاطب آن‌ها نسبت به این مقاله کمتر است چرا که این پژوهش به بحث ترجمه پرداخته است که مخاطب آن عموم مردم می‌باشد. سوال‌های پژوهش عبارت است از:

۱. آرایه مشکله چیست و به چه شیوه‌هایی در

قرآن کریم آمده است؟

۲. مترجمان چه روش‌هایی را در ترجمه این

آرایه به کار گرفته‌اند؟

۳. آیا مترجمان در سراسر ترجمه آیات قرآن

کریم که از آرایه مشکله برخوردارند یکسان عمل کرده‌اند؟

۴. روش درست و بهتر ترجمه آرایه مشکله

چیست؟

هدف اصلی این پژوهش پاسخ دادن به

خاطر همراهی با آن ذکر شود (لفظ دیگر) را پایه و آن (چیز) را پیرو می‌نامند. در عبارت‌هایی که حاوی آرایه مشاکله هستند لفظ پیرو قطعاً ذکر شده ولی لفظ پایه گاهی ذکر می‌شود که در این صورت مشاکله تحقیقی خواهد بود به عنوان مثال از پیامبر اسلام (ص) روایت شده است: «تَكَلَّفُوا مِنَ الْعَمَلِ مَا تُطِيقُونَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَمَلُّ حَتَّى تَمَلُّوا وَإِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ أَدْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّ» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۹۸۳: ۸/۶۹) ترجمه: به اندازه‌ای که تاب و توان دارید، عملی را به عهده بگیرید؛ همانا خداوند متعال خسته نمی‌شود مگر اینکه شما خسته شوید دوست داشتنی‌ترین اعمال نزد خداوند عزّ و جلّ مستمرترین آنهاست هر چند اندک باشد). نسبت دادن خستگی و ملالت به خداوند متعال از باب مشاکله تحقیقی می‌باشد چراکه لفظ (تملوا) که لفظ پایه است به همراه آن در لفظ و به شیوه تحقیقی ذکر شده است. مقصود از خسته نشدن خداوند آن است که او تا زمانی که شما از درخواست به درگاه وی رنجور و خسته نشوید فضل و احسانش ادامه دارد و از آن مضایقه نمی‌کند. این آرایه بدیعی ۴۹ بار به صورت تحقیقی در قرآن کریم ذکر شده است (السادانی، ۲۰۱۷: ۱۸۰).

ب) به شیوه تقدیری

حال اگر لفظ پیرو در کلام ذکر شود ولی فقط معنای لفظ پایه موجود بود و لفظ آن در تقدیر گرفته شد، آن را مشاکله تقدیری می‌نامند مانند: صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (البقرة/ ۱۳۸) صبغه الله به معنای رنگ خدایی است و مقصود از آن دین اسلام، فطرت و نهاد خداوندی، تطهیر و ... می‌باشد چراکه ایمان و توحید، پاک کننده جان مومنان است. در حقیقت مسیحیان کودکان خویش را در آب زردرنگی فرو می‌برند و به این عمل، غسل تعمید می‌گویند و

باور دارند که فرزند با این عمل نصرانی واقعی می‌شود. در مقابل خداوند متعال به مومنان امر می‌فرماید که رنگ خدایی و ایمان بپذیرید. صبغه النصرانی به صورت تقدیری و معنایی در کنار صبغه الله واقع شده و آرایه مشاکله تقدیری را به وجود آورده است. مشاکله تقدیری ۲۸ بار در قرآن کریم وارد شده است (السادانی، ۲۰۱۷: ۱۸۰).

۴. روش‌های ترجمه آرایه مشاکله

هیچ مترجمی نمی‌تواند ادعا کند که در ترجمه خویش، به طور دقیق قرآن را به زبان دیگر بیان کرده است چراکه در اصل چنین کاری تحدی به قرآن است. ولی می‌توان مفاهیم و معانی آیات قرآن را گویا و روان ترجمه کرد و از برخی از آسیب‌ها و کژی‌های ترجمه در امان ماند. به طور کلی مترجمان در ترجمه این پدیده زبانی به سه شیوه اقدام کرده‌اند که در ادامه به معرفی این سه شیوه پرداخته، سپس نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم را ذکر و بررسی می‌کنیم.

۴-۱. روش تحت‌اللفظی

روش تحت‌اللفظی بر زبان مبدا متمرکز می‌شود و به قواعد، نشانه گذاری و معنای ضمنی زبان مقصد اهتمام ندارد و ترتیب واژه‌ها در ترجمه از ترتیب متن مبدا پیروی می‌کند. در طی قرون متمادی قرآن کریم همواره به شیوه تحت‌اللفظی ترجمه شده است و به نوعی شاید بتوان ادعا نمود که همه ترجمه‌های قدیمی حتی برخی از ترجمه‌های معاصر بدین شیوه انجام شده است. این نوع ترجمه‌ها با متن قرآن مطابقت دارند و همگامی و وابستگی آنها نسبت به آیات قرآن کریم بیشترین درجه را دارد و بافت زبانی آن از جمله قواعد صرف، نحو و بلاغت را به شیوه کامل وارد زبان مقصد کرده‌اند و از عبارات تفسیری نیز استفاده نمی‌کنند. ولی به دلیل اینکه مجازها، کنایه‌ها و از

منظور برخی از افزوده‌های تفسیری را در ترجمه ذکر می‌کنند. این افزوده‌ها نقش مهمی در تبیین مفهوم آیات دارند. بنابراین مترجم در این شیوه ترجمه به معنای آیات بیش از عبارت عربی آنها اهتمام دارد و خود را از قیودی که در ترجمه تحت الفظی و معنایی به آنها التزام دارند رها می‌کند و در متن ترجمه دخل و تصرف می‌کند و خود را ملزم و مقید به رساندن معنای آیات می‌کند. نیومارک باور دارد این نوع از ترجمه به محتوا بیش از سبک اهمیت می‌دهد و مضمون را از ساختار اصلی کلام مهم‌تر می‌داند بنابراین به طور معمول ساختار این ترجمه‌ها بیش از متن اصلی است و غالباً از اطناب دارند و به طور مطلق، ترجمه نیستند (نیومارک، ۲۰۰۶: ۶۸). از میان این نوع ترجمه‌ها نیز ترجمه آقای فیض الاسلام و خانم صفارزاده انتخاب شد. در ادامه نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم که حاوی آرایه مشاکله هستند همراه با شرح و تفسیر و ترجمه‌های این مترجمان ذکر می‌گردد.

۵. نمونه‌های مشاکله تحقیقی

۵-۱. مثال: وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ (آل عمران/۵۴)

شرح و توضیح

شاهد مثال در این آیه شریف، اسناد ویژگی مکر به خداوند متعال است. از آنجایی که مکر صفتی ناپسند بوده و خداوند رحمان از اینگونه صفات مبرا است مشخص می‌شود که این اسناد واقعی نیست. سیوطی باور دارد: اسناد «مکر» به خدای تعالی به جهت هم‌شکلی و همراهی حقیقی آن با کلمه (پیشین) است (السیوطی، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۹۸) طبرسی نیز می‌گوید: وَمَكَرُوا: (مکر کردند) یعنی کفار بنی اسرائیل بر قتل عیسی تصمیم گرفتند. وَمَكَرَ اللَّهُ: (خدا نیز مکر کرد) یعنی آنها را به سبب

جمله آرایه مشاکله را به همان شیوه زبان مبدا ترجمه می‌کنند چه بسا عبارت را مبهم کنند یا حتی سبب تشویش ذهن و ایجاد شبهه برای مخاطب شوند به ویژه آنهایی که از اینگونه پدیده‌های زبانی اطلاع ندارند. پژوهشگران این روش را مناسب نمی‌دانند چرا که مقصود و معنای حقیقی مورد نظر قرآن کریم را به خوبی انتقال نمی‌دهند (اللاوندی، ۱۹۸۱: ۱۶۵). از مترجمان این شیوه برحسب تصادف ترجمه آقایان معزی و اشرفی انتخاب شد.

۴-۲. روش ترجمه معنایی (محتوا به محتوا)

در این روش تلاش می‌شود تا معنایی که در متن مبدا وجود دارد به قالبی در زبان مقصد آورده شود که معنای مورد نظر به طور کامل رسانده شود البته تا جایی که ممکن است به عبارات و واژه‌های متن مبدا پایبند است ولی این پایبندی کامل نیست و تلاش، بیشتر برای رساندن مفاهیم است نه مطابقت لفظی (معرفت، ۱۳۸۰: ۱۱۴/۱). در این نوع ترجمه‌ها در توضیح زیاده‌روی نمی‌شود تا از چارچوب ترجمه به چارچوب تفسیر وارد نشوند. مترجمان این روش، معانی زبان مبدا را به قالب و قواعد زبان مقصد می‌ریزند. از مترجمان این شیوه ترجمه‌های آقایان آیتی، انصاریان و مجتبیوی برحسب تصادف انتخاب شد.

۴-۳. روش ترجمه تفسیری

در ترجمه‌های تفسیری برای رساندن معنای کامل متن مبدا، مطالبی به متن مقصد افزوده می‌شود البته این افزوده‌ها تا زمانی که به اصل معنا خدشه وارد نکنند و سلامت آن حفظ شود مانعی ندارد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۵).

اینگونه ترجمه‌ها به دنبال رساندن مفهوم آیات قرآن کریم به مخاطبانی هستند که آشنایی چندانی با زبان عربی و ویژگی‌های آن ندارند و به همین

چاره‌جویی نیست زیرا در آن صورت موضوعی چالش‌انگیز نبوده است که امام رضا علیه‌السلام در صدد پاسخ دادن به آن برآید.

یا در جای دیگر پیامبر اسلام صلوات‌الله‌علیه می‌فرماید: لَيْسَ مِنَّا مَنْ مَكَرَ مُسْلِمًا. از ما نیست کسی که با مسلمانی مکر و نیرنگ کند (کلینی، ۱۳۸۷: ۴/۵۷) یا مانند این حدیث از امام علی علیه‌السلام: لَوْلَا أَنَّ الْمَكَرَ وَالْحَدِيثَةَ فِي النَّارِ لَكُنْتُ أَمَكْرَ النَّاسِ: اگر نبود که ماکر و فریبکار در آتشند من مکر اندیش‌ترین همه مردم بودم (همان: ۵۵). از این دو روایت نیز معلوم می‌شود که واژه مکر در زمانهای پیشین نیز معنای منفی و نیرنگ داشته است. در ادامه به بررسی ترجمه مترجمان از این آیه می‌پردازیم.

ترجمه‌ها

اشرفی: و مکر کردند و مکر کرد خدا و خدا است بهترین مگر کنندگان (تحت اللفظی).

معزی: و مکر کردند و مکر کرد خدا و خدا است بهترین مکر کنندگان (تحت اللفظی).

آیتی: آنان مکر کردند، و خدا هم مکر کرد، و خدا بهترین مکر کنندگان است (معنایی).

انصاریان: و [کافران از بنی‌اسرائیل درباره عیسی و آیینش] نیرنگ زدند، و خدا هم جزای نیرنگشان را داد و خدا بهترین جزا دهنده نیرنگ‌زندگان است (معنایی).

مجتبوی: آنها (جهودان) نیرنگ ساختند - برای کشتن عیسی - و خدا هم [به سزایشان] نیرنگ ساخت و خدا بهترین نیرنگ‌سازان است (معنایی).

فیض الاسلام: و (چون کفار بنی اسرائیل در عداوت و دشمنی با عیسی (علیه السلام) کوشش داشته میخواستند او را بکشند از این‌رو برای کشتن او در پنهانی) مکر و چاره‌جویی نمودند و خدا هم مکر نمود (جزای مکرشان داد به اینکه عیسی را به

مکرشان مجازات کرد و مجازات بر مکر نیز مکر نامیده شده است. اما اینکه خداوند به خود نسبت مکر داده از باب مزاجت (که یکی از وجوه بلاغت است) می‌باشد چون قبلا اسم مکر برده شده است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۴/۸۹-۹۰).

برخی مکر را دارای بار معنایی غیر منفی تلقی کرده‌اند و آن را چاره‌جویی در نظر گرفته‌اند. به عنوان مثال آقای تقیه در مقاله‌ای ضمن بیان چند ترجمه از دیگر مترجمان، این آیه را اینگونه ترجمه می‌کند: کافران نقشه کشیدند ولی خداوند توطئه آنها را نقش بر آب کرد زیرا خداوند بهترین چاره‌جو است (تقیه، ۱۳۹۶: ۲۳ و ۲۲). او واژه مکر را به سه شکل ترجمه نموده است: ۱. نقشه کشیدند در برابر عبارت (مکروا) که البته این واژه بار معنایی مثبت یا منفی ندارد چرا که ممکن است انسان برای کار خوب یا بدی نقشه بکشد از این روی ترجمه دقیق واژه مکروا نیست. ۲. خداوند توطئه آنها را نقش بر آب کرد در برابر عبارت (مکر الله) این عبارت نه معنای ظاهری واژه مکر و نه معنای مقصود که جزا باشد را دارد. ۳. خداوند بهترین چاره‌جویان است در برابر عبارت (الله خیرالماکرین) در اینجا نیز معنای ظاهری لفظ پیرو و معنای مقصود آن را ذکر نکرده است. ولی احادیث نشان می‌دهد که مکر در آن دوره نیز صفتی ناپسند بوده و اسناد آن به خداوند متعال در ذهن مردم شبهه ایجاد می‌کرده است. از این روی ائمه اطهار سلام‌الله‌علیهم تلاش می‌کرده‌اند تا اینگونه آیات را برای مردم توضیح دهند. به عنوان مثال امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: خداوند متعال، مسخره، استهزاء، مکر و خدعه نمی‌کند بلکه منافقان را به خاطر جزای تمسخر، استهزاء، مکر و نیرنگ مجازات می‌کند؛ خداوند از آنچه ستمگران به وی نسبت می‌دهند بسیار برتر است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۳۴۵). از این حدیث مشخص می‌شود که معنای اصلی مکر

پرچالش‌ترین و خطرناک‌ترین نوع ترجمه برای این پدیده زبانی، ترجمه تحت اللفظی است و بهترین نوع آن استفاده از روش ترجمه تفسیری است البته بدین شکل که ابتدا معنای ظاهری لفظ پیرو بیان شود سپس توضیح و تفسیر آن داخل پراتز یا گروه ذکر شود.

۲-۵. مثال دیگر: فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ (بقره / ۱۹۴)

شرح و توضیح

شاهد مثال فعل امر (اعتدوا علیه) به معنای تجاوز و ستم کنید است که ممکن است تصور شود خداوند متعال به این فعل مذموم دستور داده است. ثعلبی نیشابوری در این خصوص می‌گوید: خداوند متعال از این امر اراده ظلم یا تجاوز نکرده و آن را مباح نشمرده است بلکه لفظ دوم حمل بر لفظ اول شده و جزای کار آنها به فعل ایشان نامیده شده است مانند آیه وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا (سورا / ۴۰) و مانند آیه فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ (بقره / ۱۹۴) یا مانند شعر عمرو بن کلثوم:

أَلَا لَا يَجْهَلْنَ أَحَدٌ عَلَيْنَا

فَنَجْهَلُ فَوْقَ جَهْلِ الْجَاهِلِينَا

(زنهار! کسی علیه ما نادانی و جهالت نکند که بیشتر از همه جاهلان، سفاهت خواهیم کرد) (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸۹ / ۲)

مؤلف تفسیر من وحی القرآن نیز در تفسیر این آیه می‌گوید: پاسخ اعتدا و ستم، اعتدا نیست زیرا این مطلب حق ستم‌دیده است ولی آن را اینگونه نامیده است به این اعتبار که در نوع و مقدار مانند آن باشد چرا که آن مجازات اعتدا و ستم است. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۸۵ / ۴) مؤلف تفسیر روان جاوید به وجود آرایه مشکله در این آیه تصریح کرده و می‌گوید: «اینکه از جزای تعدی و تلافی هتک حرمت که جائز است بتعدی تعبیر شده است برای

آسمان برد و کسی را که کفار را بر کشتن او راهنما بود بصورت آن حضرت جلوه داد تا او را بجای عیسی گرفتند و بدار آویختند) و خدا بهترین (تواناترین) مکر کنندگان است (بر زیان رساندن بکسی که می‌خواهد بدوستان او زیان رساند) (تفسیری).

صفا زاده: [یهودیان دشمن حضرت مسیح به قصد کشتن او] مکر ورزیدند و خداوند، در مقابله با آنها، تمهیدی به میان آورد و خداوند آن تمهیدگر بی همتاست (تفسیری).

ارزیابی ترجمه‌ها

مترجمان شیوه تحت اللفظی معنای ظاهری لفظ پیرو یعنی مکر را به خداوند متعال اسناد داده‌اند که می‌تواند در ذهن مخاطب القای شبهه کند. بنابراین اینگونه ترجمه گرچه بیشترین هماهنگی را با متن مبدا دارد ولی به همین میزان خطرناک‌ترین شیوه، در ترجمه آرایه مشکله است.

مترجمان روش معنایی، معنای مقصود لفظ پیرو که همان (جزا دادن باشد) را به درستی مشخص بیان کرده‌اند. البته آقای آیتی گرچه در ترجمه خویش از روش ترجمه معنایی استفاده می‌کند این آیه شریف را به روش تحت اللفظی ترجمه کرده است. بنابراین مترجمان روش معنایی نیز در این خصوص یکسان عمل نکرده‌اند و برخی در ورطه خطر القای شبهه قرار گرفته‌اند.

مترجمان شیوه تفسیری تاکید بیشتری در معنای مقصود لفظ پیرو داشته‌اند تا جایی که خانم صفا زاده حتی معنای ظاهری لفظ پیرو را ذکر نکرده و زیبایی آرایه و تاثیر آن را نادیده گرفته است ولی آقای فیض الاسلام علاوه بر معنای ظاهری معنای مقصود را نیز بیان کرده است. بنابراین ضمن جلوگیری از ایجاد شبهه، زیبایی آرایه و تاثیر آن را منتقل کرده است.

مراعات صنعت مشاکله و حسن کلام است که متناسب شود دو لفظ در یک کلام» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۲۴۲/۱).

از آنچه گذشت مشخص می‌شود که مقصود این آیه شریف، معنای ظاهری لفظ (اعتدوا) یعنی ستم و تجاوز نیست، بلکه مراد، تلافی و مجازات است. در ادامه به بررسی ترجمه‌ها می‌پردازیم.

ترجمه‌ها

اشرفی: پس کسی که تعدی کرد بر شما پس تعدی کنید بر او بمانند آنچه تعدی کرد بر شما (تحت اللفظی).

معزی: پس آن کس که تجاوز کند بر شما تجاوز کنید بر او برابر آنچه بر شما تجاوز کرده است (تحت اللفظی).

آیتی: پس هر کس بر شما تعدی کند. به همان اندازه تعدی‌اش بر او تعدی کنید (معنایی).

انصاریان: پس هر که بر شما تعدی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدی کنید (معنایی).

مجتبوی: پس هر که بر شما تجاوز کند بمانند آن بر او تجاوز کنید از اندازه مگذرید (معنایی).

فیض الاسلام: پس هر کس بر شما ظلم و تجاوز نمود شما هم مانند آنچه او بر شما تعدی نموده بر او تجاوز نمائید (تفسیری).

صفارزاده: پس هر کس به شما و حقوق شما تعدی و تجاوز کرد با او [به همان شیوه ی خودش مقابله و تلافی کنید] (تفسیری).

ارزیابی

در ترجمه‌های تحت اللفظی، معنای ظاهری لفظ پیرو را بیان کرده‌اند که به نوعی توهم جواز ستم بر دشمنان است. در ترجمه‌های معنایی نیز همانند ترجمه‌های تحت اللفظی عمل شده است و این واژه را به معنای ظاهری لفظ ترجمه کرده‌اند و

سبک معنایی در آنها مشاهده نمی‌شود. ولی در ترجمه‌های تفسیری خانم صفارزاده معنای مقصود لفظ پیرو را ذکر و آن را به مقابله و تلافی ترجمه کرده است ولی معنای ظاهری لفظ را بیان نکرده است. آقای فیض الاسلام با وجود برگزیدن روش تفسیری در ترجمه لفظ (اعتدوا) به شیوه تحت اللفظی اقدام و آن را، تجاوز و تعدی ترجمه کرده است. بنابراین مترجمان در ترجمه آرایه مشاکله روش و شیوه مناسب و ثابتی نداشته‌اند تا جایی که حتی مترجمان روش ترجمه تفسیری نیز گاهی این آرایه را دقیق ترجمه نکرده‌اند.

۵-۳. مثال دیگر: نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ (توبه/۶۷)

شرح و توضیح

شاهد مثال در آیه شریف اسناد فعل نسیان (فراموش کردن) به خداوند متعال است که در چندین آیه دیگر نیز به خداوند متعال اسناد داده شده است از جمله آیات (اعراف/ ۵۱)، (حشر/ ۱۹)، (جاثیه/ ۳۴) و (سجده/ ۱۴)؛ حال آنکه خداوند متعال اهل فراموشی نیست. امام رضا علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: خداوند تبارک و تعالی فراموش و اشتباه سهوی نمی‌کند بلکه مخلوق است که فراموش کرده و به اشتباه می‌افتد آیا نشنیده‌ای که او می‌فرماید: پروردگارت فراموشکار نیست. بلکه او، کسی که وی و روز ملاقات (قیامت) را فراموش کند را اینگونه مجازات می‌کند که خودشان را فراموش می‌کنند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/ ۸۱۳) در این خصوص آیت الله قرائتی می‌گوید: خداوند که فراموشی ندارد، «و ما كان رَبُّكَ نَسِيًّا» (مریم/ ۶۴) پس این آیه که می‌فرماید: خداوند آنان را فراموش کرد، به چه معنایی است؟ پاسخ: نسبت دادن فراموشی به خداوند، مجازی است، یعنی خداوند با آنان مثل فراموش شده‌ها عمل می‌کند (نه آنکه فراموششان

کند) (قرائتی، ۱۳۸۳: ۹۹/۵).

مؤلف تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة درباره این آیه می‌گوید: «خداوند متعال از باب مشاکله فرمود فَنَسِيهِمْ مجزاً یعنی آنها را ترک کرد و از نظر و افاضه رحمتش اسقاط نمود» (خانی و ریاضی، ۱۳۷۲: ۱۸۷ / ۶). شیخ طوسی نیز معنای این لفظ را اینگونه می‌داند که آنها امر خداوند را رها کردند و آن کار به منزله فراموش شده شد و خداوند متعال نیز ایشان را به منزله فراموش شده از ثواب و پاداش و رحمت خویش، مجازات کرد و این مطلب برای ازدواج سخن یا همان مشاکله ذکر شده است. (طوسی، بی‌تا: ۲۵۳ / ۵) ابن عاشور نیز فراموش شدن آنها توسط خداوند را از باب مشاکله می‌داند به این معنا که از وعده‌های داده شده به مومنان محروم می‌شوند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۱۴۵).

بنابراین اسناد فعل نسیان به خداوند متعال از باب مشاکله و به قصد تهکم، تمسخر و انذار منافقان است.

ترجمه‌ها

اشرفی: فراموش کردند خدا را پس فراموش کردشان (تحت اللفظی).

معزی: فراموش کردند خدای را پس فراموششان کرد (تحت اللفظی).

آیتی: خدا را فراموش کرده‌اند. خدا نیز ایشان را فراموش کرده است (معنایی).

انصاریان: خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را [از لطف و رحمت خود] محروم کرد (معنایی).

مجتبوی: خدای را فراموش کردند پس خدای نیز آنان را به فراموشی سپرد (معنایی).

فیض الاسلام: خدا را فراموش کردند (عبادت و بندگی او را ترک کرده و از دست دادند) پس خدا هم آنان را فراموش کرد (آنان را بحال خود

واگذار و از رحمت و مهربانیش بی‌بهره گردانید) (تفسیری).

صفارزاده: [آنها اوامر] خداوند را فراموش کردند پس خداوند هم آنها را فراموش فرمود (تفسیری).

ارزیابی

مترجمان روش تحت اللفظی فقط معنای ظاهری فعل نسیان را بیان کرده‌اند. آقایان آیتی و مجتبوی نیز به مانند مترجمان روش تحت اللفظی فقط معنای ظاهری لفظ پیرو یعنی فراموشی را بیان کرده‌اند. ولی آقای انصاریان به شیوه‌ای متفاوت عمل کرده است و فقط معنای مقصود لفظ یعنی محروم ساختن از لطف و رحمت خداوند را در ترجمه ذکر کرده است تا مخاطب در اشتباه نیفتد. آقای فیض الاسلام از مترجمان روش تفسیری، هم معنای ظاهری لفظ را ذکر کرده است تا تاثیر آرایه از بین نرود و هم معنای مقصود یعنی محروم ساختن از رحمت و مهربانی را به جهت دفع شبهه بیان کرده است. خانم صفارزاده با وجود بهره بردن از روش تفسیری، این آرایه را به شیوه تحت اللفظی ترجمه کرده است. این مطلب نشان می‌دهد که حتی مترجمان روش تفسیری در ترجمه آرایه مشاکله به یک شیوه عمل نکرده‌اند و بیانگر نداشتن روش مناسب و آگاهانه برای ترجمه این پدیده زبانی است. از طرفی دیگر با دقت در آیاتی که فعل نسیان به خداوند متعال در ظاهر اسناد داده شده است مشخص می‌شود که در آرایه مشاکله گاهی لفظ پیرو قبل از لفظ پایه ذکر می‌شود مانند این آیه شریف: **فَالْيَوْمَ نَسْنَهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا (الأعراف / ۵۱).**

۴-۵. مثال دیگر: إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ (النساء / ۱۴۲)

شاهد مثال در آیه شریف، اسناد خدعه به خداوند متعال است. در تفسیر مجمع البیان گفته شده است:

معنای خدعه خداوند با آنان، این است که کیفر خدعه آنان را می‌دهد چنان که در آیه: «اللَّهُ يُسْتَهْزِئُ بِهِمْ» (سوره بقره/ ۱۵) (یعنی آنها را استهزا می‌کند) گفتیم که خداوند در حقیقت کیفر استهزای آنان را می‌دهد (طبرسی، ۱۳۶۰: ۶ / ۱۰۸). اگرچه در تفسیر آیه، نامی از آرایه مشکله نبرده ولی معنای اسناد خدعه به خداوند متعال را بیان کرده است.

ولی مولف تفسیر اثنا عشری بر وجود آرایه مشکله در این آیه تصریح کرده است و می‌گوید: مراد از خداع حق تعالی، نه صدور خدعه است، زیرا این از اعظم قبایح، و ذات اقدس الهی از آن منزّه و مبری می‌باشد، بلکه جزای خداع آنها را که عقاب جهنم است، بدیشان مرجوع سازد. و این صنعت را در علم معانی، بیان مشکله و مماثله و مقابله نامند. مثل: جزاء سيئة سيئة مثلها (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۱۶). محیی الدین درویش نیز اسناد خدعه به خداوند متعال را از باب مشکله برشمرده و می‌گوید در عبارت (هو خادعهم) آرایه مشکله وجود دارد و عقاب و جزا به اسم گناه و ذنب نامیده شده است (درویش، ۱۴۱۵: ۲ / ۳۶۱).

مراغی نیز در تفسیر این آیه می‌گوید مراد از (هو خادعهم) این است که آنها را به خاطر خدعه و نیرنگ شان مجازات می‌کند و لفظ به خاطر مشکله با لفظ اول مخدعه نامیده شده و شبیه (و مکروا و مکر الله) است (مراغی، بی تا: ۵ / ۱۸۷).

ابن فضال می‌گوید که از امام رضا علیه السلام درباره این آیه سؤال کردم. حضرت پاسخ دادند که «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَخَادِعُ وَ لَكِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَجَازِيهِمْ جَزَاءَ الْمَكْرِ وَ الْخَدِيعَةِ، تَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عَلَوَا كَبِيرًا» (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱ / ۵۷۶). ترجمه: خداوند عزّ و جلّ نیرنگ و خدعه نمی‌کند بلکه ایشان را به خاطر مکر و خدعه مجازات می‌کند؛ وی از آنچه ستمگران می‌گویند بسیار برتر و والاتر

است. اسناد خدعه به خداوند متعال حقیقی نبوده و از باب مشکله به معنای مجازات کردن است.

ترجمه‌ها

اشرفی: بدرستی که منافقان فریب می‌ورزند با خدا و او است فریب دهنده ایشان (تحت اللفظی).

معزی: همانا منافقان نیرنگ و رزند با خدا و او است فریب‌دهنده ایشان (تحت اللفظی).

آیتی: منافقان خدا را فریب می‌دهند، و حال آنکه خدا آنها را فریب می‌دهد (معنایی).

انصاریان: منافقان همواره با خدا نیرنگ می‌کنند، و حال آنکه خدا کیفر دهنده نیرنگ آنان است (معنایی).

مجتبوی: منافقان با خدا فریبکاری می‌کنند، و حال آنکه او [به سزای فریبکاریشان] فریب‌دهنده آنهاست (معنایی).

فیض الاسلام: هرآینه منافقین و مردم دو رو (بانفاق و دو رویی رسول) خدا را می‌فریبند و خدا هم فریب دهنده ایشان است (آنان را بسبب فریب دادنشان عذاب خواهند نمود) (تفسیری).

صفارزاده: منافقان قصد نیرنگ و فریب به خداوند را دارند در حالی که خداوند خدعه را به خودشان برمی‌گرداند [و مجازات می‌شوند] (تفسیری).

ارزیابی

مترجمان روش تحت‌اللفظی همچون موارد دیگر به بیان معنای ظاهری لفظ پیرو اکتفا کرده‌اند و از معنای حقیقی آن غفلت ورزیده‌اند که می‌تواند در مخاطب القای شبهه کند. آقای آیتی از مترجمان روش معنایی نیز به بیان معنای ظاهری اکتفا کرده و از معنای مقصود غفلت ورزیده است. آقای انصاریان فقط معنای مقصود را ذکر کرده و روش معنایی را در پیش گرفته است. آقای مجتبوی

است که: «اتَّبِعُوا صِبْغَةَ اللَّهِ» یعنی از «اسلام» که مقتضای فطرت الهی است پیروی کنید (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲ / ۸۰). در این حدیث شریف هم معنای کلام بیان شده و هم ترکیب صِبْغَةُ اللَّهِ در جایگاه مفعول به واقع شده است. به هر حال آیه شریف می‌باید به شکل مفعول مطلق یا مفعول به ترجمه شود حال اینکه برخی از مترجمان اینگونه ترجمه نکرده‌اند که به آن خواهیم پرداخت.

از لحاظ بلاغی نیز مفسران این آیه را از باب مشاکله دانسته‌اند. به عنوان مثال در تفسیر اثنا عشری آمده که این لفظ به سبب مشاکله است به آب معمودیه که به زعم نصاری مطهر آنها و محقق نصرانیت است پس ایمان به (صبغه) مسمی شده. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۶۸) جاراالله زمخشری نیز باور دارد صِبْغَةُ به شیوه مشاکله آمده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۹۶). همچنین محمود صافی النجفی صِبْغَةُ اللَّهِ را مشاکله تقدیری می‌داند چرا که نصاری نوزادان خویش را در آب زرد رنگی به نام معمودیه غسل می‌دهند به این گمان که آن، همان آبی است که حضرت عیسی علیه السلام در آن به دنیا آمد (صافی، ۱۴۱۸: ۱ / ۲۸۰). مؤلف تفسیر روان جاوید نیز معتقد است لفظ صِبْغَةُ اللَّهِ برای صنعت مشاکله است تا یکی از صنایع لطیفه بدیع اعمال شود (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۱ / ۱۷۹-۱۷۸).

از مجموع آنچه ذکر شد مشخص می‌شود که آیه از نظر نحوی می‌باید به صورت جمله فعلیه با ترکیب مفعول مطلق یا مفعول به ترجمه شده و از نظر معنایی و بلاغی آرایه مشاکله لحاظ شود و مقصود اصلی از صِبْغَةُ اللَّهِ، دین اسلام، ایمان، تطهیر فطرت و نهاد خداوندی است.

ترجمه‌ها

اشرفی: رنگ کردنی از خدا و کیست نیکوتر از

علاوه بر بیان معنای ظاهری لفظ پیرو، معنای مقصود را با عبارت (سزا فریبکاریشان) ذکر کرده که روش مناسبی است. مترجمان روش معنایی به سه شیوه عبارت را ترجمه کرده‌اند که دلیلی بر نداشتن روش واحدی است که همیشه از آن پیروی کنند. مترجمان روش تفسیری هم معنای ظاهری لفظ و هم معنای مقصود را بیان کرده‌اند که روش صحیح ترجمه این آرایه در قرآن کریم است.

۶. نمونه مشاکله تقدیری

مواردی که تاکنون ذکر شد از نوع مشاکله تحقیقی بود که هم لفظ پایه و هم لفظ پیرو در آیه ذکر شده است. در ادامه یک نمونه از آرایه مشاکله تقدیری ذکر می‌شود تا مشخص شود که مترجمان، این نوع از مشاکله را چگونه ترجمه کرده‌اند:

مثال: صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً (بقره/ ۱۳۸).

شرح و توضیح

شاهد مثال در این آیه شریف، صِبْغَةُ اللَّهِ (رنگ خداوند) است که لفظ پیرو می‌باشد و لفظ پایه آن صِبْغَةُ النَّصَارَى (رنگ ترسایان) به شیوه تقدیری است. مسیحیان نوزادان خود را در آبی زرد رنگ به نام معمودیه فرو برده و غسل می‌دهند که دلیل و نشانه‌ای بر مسیحی شدن آنهاست. برخی مفسران معنای این لفظ را دین خداوند در نظر گرفته‌اند (سید کریمی حسینی، ۱۳۸۲: ۱ / ۲۱). در احادیث متعددی از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر این آیه نقل شده که مقصود از صِبْغَةُ اللَّهِ آیین پاک اسلام است (مکارم، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۷۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۳).

صِبْغَةُ از لحاظ نحوی، مفعول مطلق است برای فعل محذوف مقدر یعنی: صِبْغْنَا اللَّهُ صِبْغَةَ (دعاس و دیگران، ۱۴۲۵: ۱ / ۵۸؛ درویش، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۹۷). امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «منظور این

خدا در رنگ کردن (تحت اللفظی).

ارزیابی

از مترجمان روش تحت اللفظی آقای معزی آیه را به مفعول مطلق ترجمه کرده و معنای ظاهری لفظ را بیان کرده است. ولی آقای اشرفی جمله را به شیوه مفعول به ترجمه کرده ولی فعل مقدر را در ترجمه خود ذکر نکرده است و از لحاظ معنایی نیز همچون موارد دیگر به ذکر معنای ظاهری لفظ اکتفا کرده‌اند و چنانچه مخاطب از وجود این آرایه آگاه نباشد چه بسا گمان کند که خداوند متعال رنگ دارد.

آقای آیتی آیه را به شیوه جمله اسمیه ترجمه کرده که اشتباه می‌باشد و از روش ترجمه تحت اللفظی استفاده کرده است. آقایان انصاریان و مجتبوی ترکیب را به شیوه مفعول به ترجمه کرده‌اند و به شیوه مناسب و صحیح هم معنای ظاهری لفظ پیرو و هم معنای مراد و مقصود آن را به جهت دفع برداشت نادرست ذکر کرده‌اند.

آقای فیض‌الاسلام هم معنای ظاهری و هم معنای اصلی را با توضیحی نسبتاً طولانی ذکر می‌کند و تا حدودی ترجمه‌اش تبدیل به تفسیر شده است. وی ضمن انتقال زیبایی و تاثیر آرایه، از ایجاد شبهه و توهم در مخاطب جلوگیری کرده است. خانم صفارزاده ترکیب را به شیوه مفعول به ترجمه می‌کند و با اینکه روشش، ترجمه تفسیری است، ترجمه دقیقی را ارائه نمی‌دهد. او به جای ذکر معنای ظاهری (رنگ خدا) سپس معنای اصلی آن یعنی دین اسلام یا توحید و...، لفظ را با ترکیبی جدید یعنی (رنگ توحید) ترجمه کرده که تلفیقی از معنای ظاهری و اصلی است که چندان صحیح نمی‌باشد چرا که از طرفی زیبایی و تاثیر آرایه را می‌کاهد و از طرفی دیگر معنای اصلی را به طور کامل نمی‌رساند. در ادامه به ذکر نتایج مهم از بررسی ترجمه این پنج آیه می‌پردازیم.

معزی: رنگ خدا و کیست نکوتر از خدا در رنگ (تحت اللفظی).

آیتی: این رنگ خداست و رنگ چه کسی از رنگ خدا بهتر است (معنایی).

انصاریان: [به یهود و نصاری بگوئید:] رنگ خدا را [که اسلام است، انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ (معنایی).

مجتبوی: [بگوئید:] رنگ خدا [بی داریم] - یعنی ایمان ما رنگ خدایی دارد و دین خدای را که همان یکتا پرستی و کیش ابراهیم است پذیرنده‌ایم - و کیست نیکوتر از خدای در رنگ - دین فطرت -؟ (معنایی).

فیض الاسلام: (و پس از نزول این آیات یهود و نصاری کینه درونی خود را آشکار کرده و از اسلام دوری جستند، و نصاری گفتند: ما را صبغه و رنگی است که مسلمانان از آن بی‌بهره‌اند، و صبغه ایشان آب زردی بود که آن را آب معمولیه می‌نامیدند و نوزادان خود و هر که را در دینشان داخل میشد بنام آب، ابن و روح القدس در آن تعمید داده و می‌شستند و می‌گفتند: ما او را بعلاقت و نشانه نصرانیت رنگ نمودیم و این آب او را از سائر ادیان پاک و پاکیزه نمود، خدای تعالی این آیه فرستاد: ای مسلمانان بایشان بگوئید: خدا ما را برنگی (بفطوره و دین اسلام که همه مردم را بآن رنگ آفریده) رنگ کرده است، و کیست نیکوتر از خدا برای رنگ آمیزی؟ (رنگی نیکوتر از رنگ او نمی‌باشد) (تفسیری).

صفارزاده: [آنان که با غسل تعمید و رنگ‌آمیزی آب علامت دین خود را اعلام می‌کنند باید بدانند:] بهتر است رنگ توحید را بپذیرند و چه چیز از رنگ و علامت مشخصه توحید بهتر است؟ و [شما مسلمانان بگوئید:] (تفسیری).

۷. نتیجه

است که گاهی منجر به ایجاد شبهه می‌شود. به نظر می‌رسد اگر مترجمان از شیوه تلفیقی و ترکیبی برای ترجمه قرآن کریم بهره ببرند روشی بهتر خواهد بود بدین صورت که در مواردی از مزایای ترجمه تحت اللفظی بهره ببرند و گاهی نیز در صورت لزوم روش ترجمه معنایی را در پیش بگیرند و در برخی موارد از جمله ترجمه آرایه مشاکله از روش ترجمه تفسیری و توضیحی استفاده کنند.

منابع

ابراهیمی، ابراهیم؛ طهماسبی بلداجی، اصغر؛ محمدی نبی‌کندی، باب‌الله (۱۳۹۳). «تحلیل و بررسی افزوده‌های تفسیری در شش ترجمه معاصر قرآن کریم (با محوریت سوره اسرا)». پژوهشهای ترجمه در زبان و ادبیات عربی. سال ۴. شماره ۱۱. صص ۸۳-۱۱۲.

ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۹۸۳م). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. تحقیق مجتبی عراقی. مقدمه‌نویس شهاب‌الدین مرعشی. قم: مؤسسه سیدالشهداء (ع).

ابن‌عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.

ابن فارس، أبو‌الحسین أحمد (۱۴۲۲ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.

تاج‌بخش، اسماعیل (۱۳۹۲). «نمونه‌هایی از آرایه مشاکله در قرآن». سراج منیر. شماره ۱۱. صص ۴۳-۵۸.

تقیه، محمدحسن (۱۳۹۶). «نقد مقابله‌ای ترجمه‌های قرآن کریم (پنج مترجم فرهیخته: آیتی، حداد عادل، خرمشاهی، فولادوند و مکارم شیرازی + نویسنده)». دوفصلنامه مطالعات نقد ادبی. دوره ۱۲. شماره ۴۵. صص ۹-۲۹.

ثعلبی‌نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). الکشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ثقفی‌تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق). تفسیر روان جاوید. تهران: برهان.

یکی از پدیده‌های زبانی پرکاربرد قرآن کریم که از آن برای بیان معانی استفاده شده، آرایه مشاکله است که بر تأثیر سخن می‌افزاید. این آرایه به دو شیوه تحقیقی و تقدیری در قرآن کریم وجود دارد که حالت تحقیقی بیشتر از تقدیری است.

یکی از چالش‌ها و دشواری‌های ترجمه قرآن در ترجمه همین آرایه نهفته است به نحوی که ترجمه آن به شیوه نامناسب ممکن است در مخاطب القای شبه کند. مترجمان در ترجمه این آرایه به سبک و شیوه خود پایبند نبوده‌اند مگر کسانی که آن را به شیوه تحت اللفظی ترجمه کرده‌اند که در همه موارد به ذکر معنای ظاهری لفظ بسنده کرده و از معنای مقصود غفلت ورزیده‌اند.

مترجمان شیوه معنایی بیشترین ناهمگونی را در ترجمه آرایه مشاکله دارند به نحوی که انتظار می‌رفت، بر اساس شیوه ترجمه خویش به ذکر معنای مقصود لفظ پیرو پردازند ولی گاهی به شیوه تحت لفظی و گاهی به شیوه تفسیری عمل کرده‌اند. در برخی موارد نیز این آرایه را به شیوه خود یعنی روش معنایی ترجمه کرده‌اند.

مترجمان روش تفسیری نیز گرچه روش مناسب‌تری را برای ترجمه آرایه مشاکله در پیش گرفته‌اند ولی در همه موارد یکسان عمل نکرده و گاهی آن را به شیوه تحت‌اللفظی ترجمه کرده‌اند.

مترجمان در ترجمه این پدیده زبانی روش مناسبی که بدان ملتزم باشند نداشته‌اند. بهترین روش برای ترجمه این پدیده زبانی، ترجمه تفسیری است البته بدین صورت که نخست معنای ظاهری لفظ ذکر شود تا زیبایی آرایه و تأثیر آن ضایع نشود سپس معنای مقصود به طور موجز در داخل پرانتز یا کروشه ذکر گردد تا از القای شبهه برای مخاطب جلوگیری شود. نامناسب‌ترین روش برای ترجمه این پدیده زبانی روش تحت اللفظی

- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳).
تفسیر اثنا عشری. تهران: میقات.
- خانی، رضا؛ ریاضی، حشمت‌الله (۱۳۷۲). ترجمه بیان
السعادة فی مقامات العبادة. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- الخطیب القزوینی، جلال‌الدین محمد بن عبد الرحمن
الشافعی دمشقی (۱۴۱۸ق). التلخیص فی علوم
البلاغة. تحقیق عبد الحمید الهنداوی. بیروت: دار
الکتب العلمیه.
- درویش، محیی‌الدین (۱۴۱۵ق). إعراب القرآن و بیانه.
سوریه: دارالإرشاد.
- دعاس، حمیدان قاسم (۱۴۲۵ق). إعراب القرآن الکریم.
دمشق: دارالمنیر و دارالفارابی.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض
التنزیل. بیروت: دار الکتب العربی.
- السادانی، نایف جردو أحمد حسن (۲۰۱۷م). «المشاکلة
فی القرآن الکریم». مجلة كلية التربية للبنات. جامعة
موصل. المجلد ۲۸. صص ۱۹۸-۱۸۰.
- السکاکي، أبو یعقوب یوسف بن أبی بکر محمد بن علی
(۱۹۸۷م). مفتاح العلوم. ضبط و تعلیق نعیم زر زور.
بیروت: دار الکتب العلمیه.
- سیدکریمی حسینی، سیدعباس (۱۳۸۲). تفسیر علیین.
قم: اسوه.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۸۰). الإیتقان فی
علوم القرآن. تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم.
ترجمه مهدی حائری قزوینی. تهران: امیرکبیر.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳). تفسیر شریف
لاهیجی. تحقیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی
(محدث). تهران: دفتر نشر داد.
- صافی، محمود بن عبد الرحیم. (۱۴۱۸ق). الجداول فی
إعراب القرآن. بیروت: دار الرشید.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان فی
تفسیر القرآن. تحقیق رضا ستوده. تهران: انتشارات
فراهانی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر
القرآن. تحقیق شیخ آقا بزرگ تهرانی و احمد قصیر
عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر
نور الثقلین. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. قم:
اسماعیلیان.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم:
هجرت.
- فضل الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی
القرآن. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- الفیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (۱۴۲۰ق).
قاموس المحيط. إعداد و تقدیم محمد عبدالرحمن
المرعشلی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قراثتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز
فرهنگی درسهایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). اصول کافی. ترجمه
مهدی آیت‌اللهی. تهران: جهان آرا.
- اللاوندی، سعید (۱۹۸۱م). إشکالیة ترجمة معانی القرآن
الکریم. قاهره: دار غریب للطباعة.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی‌تا). تفسیر المراغی.
بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار
الکتب الإسلامیة.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰). تفسیر و مفسران. ترجمه
علی خیاط، قم: موسسه فرهنگی التمهید.
- نیومارک، پیتر (۲۰۰۶م). الجامع فی الترجمة. ترجمه و
إعداد حسن غزالی، بیروت: دار و مكتبة الهلال.